



پرستی از شما!!

بوش

کزارش مستند و مفصل از تروریسم در عهد بوش

را چگونه می توان دوست داشت؟

* ایجاد ترس و دلهره بزرگ ترین و موثرترین سلاح برای تحکیم قدرت و حفظ آن است
آدولف هیتلر

(۱۹۱۴) به شدت زخم‌های مهلک بر پیکر آن زده بود تبلیغ می کردند که ما برای آزادی و عدالت نبرد می کنیم.

هیتلر می گفت: ملت‌ها باید آزاد شوند و از جنگال استعمار و دیکتاتورها نجات یابند. اما دیدیم که چگونه هیتلر و یاران او ۵۸ میلیون نفر کشته به جای گذاشتند. روزی یک افسر انگلیسی هنگامی که رودزیا را تسخیر می کرد فریاد برآورد خداوند مسوولیت بزرگی روی شانه‌های نژاد سفید گذاشته است و آن متعبد کردن سیاهان است.

در می‌پاییم که شعار همه آنها که جنگ و خون‌ریزی را بر بشر تحمیل کردند اجرای حقوق بشر و استقرار آزادی و عدالت بوده است و جناب بوش و یارانش مثل رامسفلد (وزیر دفاع)، دیک چنی و کاندولیزا رایس همان است که سال‌ها قبل دیگران با این شعارها مردم کشور خود و جهان را فریب دادند.

بوش و تروریسم

بسیاری از تاریخ نویسان جهان را عقیده بر این است که آمریکا همیشه باید در جنگ باشد یا جنگ داخلی و یا جهانی. نگاه کوتاهی به تاریخ آمریکا از سال ۱۷۷۶ که خود را از جنگال استعمار انگلستان رها نید و مستقل شد تا امروز ما را مجبور می سازد

مورد رهبران آمریکا چنین گفت: دروغ بر سه نوع است که ساده‌ترین آن این است. تو دروغ می‌گویی و طرف نمی‌داند تو دروغ می‌گویی. نوع دوم، تو دروغ می‌گویی و مستمع می‌داند تو دروغ می‌گویی. نوع سوم آن است: که تو دروغ می‌گویی و طرف هم می‌داند و تو نیز می‌دانی که طرف می‌داند تو دروغ می‌گویی. این نوع دروغ بسیار خطرناک است. اعتماد را از جامعه دور و هرج و مرج را حاکم بر آن می‌کند. امروز رهبران بسیاری از قدرت‌ها و در رأس آنها جرج بوش از نوع سوم دروغ می‌گویند و می‌خواهند ملت خود و جهان را فریفته و بر آنها حکومت کنند و این امکان ناپذیر است.

جناب آقای بوش و یارانش در هر فرصتی با حرارت می‌گویند نبرد امروز ما برای آزادی بشر و برای اجرای حقوق بشر در سراسر گیتی است. آنان بسیار ساده لوح باید باشند که گفتار بوش را بپذیرد. متأسفانه بعضی ایرانیان بدون آگاهی از گذشته، شیفته بوش و گفتارش می‌شوند. آنها نمی‌دانند که در دهه ۳۰ (۱۹۳۰) تا شروع جنگ دوم جهانی (سوم سپتامبر ۱۹۳۹) آدولف هیتلر و گورنیکه هیلمر، دکتر گوپلز و... هراس و ترس را در جامعه‌ای که فقر و بیکاری و شکست در جنگ اول جهانی (۱۹۱۸-

یادش بخیر که نوشته‌هایش به آنان روح تازه می‌داد و بر دل می‌نشست و همه انتقادی و مستدل. وکیل دادگستری که قدرت قلم و زبانش رقیب را تسلیم می‌کرد. وکالت را کنار گذاشته بود. و مقاله نویسی را پیشه خود کرده بود. مدت‌ها در روزنامه اطلاعات همکار یکدیگر بودیم. از او زیاد آموختم و از غلامحسین صالحیار نیز. پس از انقلاب به لواسان پناه برد و گوشه عزلت گزید.

بسیار روزها پیش از انقلاب در مدح انقلاب سخن می‌گفت و راه نجات جامعه فئودالی ایران را در فروپاشی پایه‌های سلطنت می‌دانست که می‌گفت این غده سرطانی همه بدنه جامعه ایران را فاسد کرده است و راهی نیست جز کندن آن. دو سال پیش در تهران دیناری یا لو داشتم معلوم شد وکالت چند زندانی سیاسی را پذیرفت و برای رهایی آنها از زندان شب و روز تلاش می‌کند. آقای محمد علی سفیری را می‌گویم که روزی خبر رسید که آن مرد بزرگ چشم از جهان فرو بست.

سیاست امپریالیستی آمریکا را محکوم می‌کرد و معتقد بود کاخ سفید، جنگ سوم جهانی را شروع کرده است که به تدریج شدت می‌یابد. محمدعلی سفیری که مغزش خزانه افسانه و ضرب‌المثل بود در

برای آزادی و توسعه آن پیکار می‌کنیم صورت گرفت. و این واقعه در نیمه اول قرن نوزدهم یعنی ۱۵۰ سال پیش روی داد تقریباً مصادف بود با حکومت قاجاریه در ایران.

به این ترتیب روسای جمهور آمریکا با شمار اجرای حقوق بشر و آزادی برای جهانیان به تدریج کشور آمریکا را از سیزده ایالت به پنجاه ایالت گسترش دادند آن هم حاصلخیزترین سرزمین‌های جهان را. (تنها وسعت ایالت تگزاس برابر وسعت فرانسه است)

در نیمه دوم قرن نوزدهم جنگ‌های انفصال یعنی جنگ شمال و جنوب آمریکا روی داد که چهار سال طول کشید و در پایان آن آبراهام لینکلن رییس جمهور آمریکا که ضد برده‌داری بود ترور شد. به تعبیر مورخان، شمال آمریکا صنعتی و جنوب کشاورزی بود. شمال نیاز به کارگر و جنوب نیاز به برده داشت.

در پایان این جنگ داخلی کل ایالت آمریکا متحده کشور غول پیکری را تشکیل دادند. تا اول قرن بیستم تجاوز آمریکا به کشورهای دیگر در قاره آمریکا بود. با کشته شدن مک کیلی رییس جمهوری آمریکا که

روزیهای نخست قرن بیستم روی داد تئودور روزولت (بافرانکلین روزولت اشتباه نشود) جانشین او شد و از همین زمان سیاست امپریالیستی و تجاوزکارانه آمریکا شکل تازه‌ای یافت.

روزولت، فیلیپین، گوام، پورتوریکو و بسیاری از سرزمین‌های واقع در بستر اقیانوس کبیر در برابر هجوم سربازان آمریکایی قرار گرفتند.

با جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) آمریکا نیروهای خود را به رهبری ژنرال پُرشینگ روانه اروپا کرد. یک سال در پایان جنگ اول جهانی دهها هزار سرباز آمریکایی در کنار ارتش فرانسه و انگلستان

شرکت تولیدی و مهندسی

حرارت گستر

دارای پروانه کاربرد علامت استاندارد شماره ۵۷۷۹

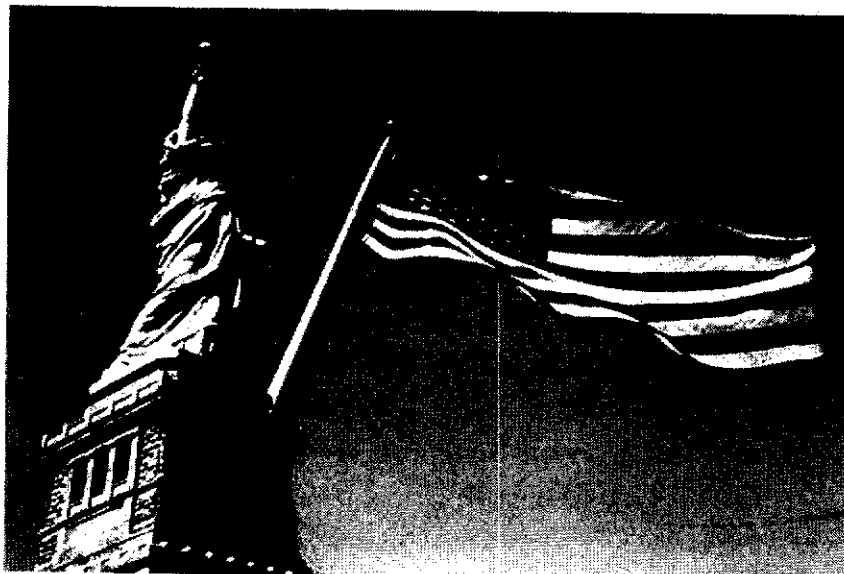
*** دارای تاییدیه تشه ساخت دیگ بخار و آب داغ از TÜV آتریش ***

تولید کننده:

دیگ بخار	فیتر شنی
دیگ آب داغ و آب گرم	دی الکالایزر
دی ارتور	فلاش تانک بخار
سختی گیر	جداساز آب از بخار
منبع کوپل مار	جداساز هوا از آب
مبدل حرارتی	منبع کندانس

نشانی: تهران، خیابان طالقانی شرقی، شماره ۵۲۲، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۲۲۱
تلفن: ۷۷۶۰۵۸۹۳ - ۷۷۶۰۵۸۸۹ فاکس: ۷۷۶۰۴۵۳۱

صحت این نظریه را بپذیریم. جرج واشنگتن فرمانده ارتش آمریکا در جنگ علیه ارتش قوی انگلستان در آن روزگاران مجبور بود دست نیاز به سوی لافایت فرمانده ارتش فرانسه دراز کند. با انقلاب بزرگ فرانسه در سال ۱۷۸۹ جرج واشنگتن با افکار آزادیخواهان فرانسه آشنا و روحیه دموکراتیک پیدا کرد. در آن زمان فرانسه و انگلستان خصم یکدیگر بودند ولویی شانزدهم برای ضربه زدن به انگلستان، ارتش فرانسه را به رهبری لافایت به کمک جرج واشنگتن فرستاد و هزاران سرباز فرانسوی در جبهه جنگ کشته شدند. در آن زمان فقط سیزده ایالت (امروزه پنجاه ایالت یا کشور) کشور ایالات متحده آمریکا را تشکیل می‌دادند. مدت‌ها آمریکا با سرخ پوستان آمریکا که اهالی بومی آن کشور بودند پیکار می‌کرد. آمریکا با این جنگ‌ها روزبه‌روز تنومندتر شد به طوری که به عنوان آزادی خواهی به مکزیک که در آن روزگاران کشور بزرگی بود اعلان جنگ داد. ژنرال آستین فرمانده بخشی از نیروهای آمریکا تگزاس را گرفت سپس ایالت کالیفرنیا، کلرادو، نیومکزیکو و بخش اعظمی از خاک مکزیک را تصرف کرد. تمامی این هجوم آمریکا و اشغال چندین ایالت بزرگ مکزیک و ضمیمه کردن به خاک آمریکا زیر عنوان شعار ما



کسی که از تروریسم جدید بهره می‌گیرد بوش و باران اوست که در راس هرم قدرت بزرگ‌ترین امپریالیست جهان قرار دارند. چگونه شد که از اندونزی تا مراکش و از عمان تا لندن را "شیخ" تروریسم فرا گرفت و اکثر کشورهای اروپایی را در وحشت از تروریسم قرار داد؟

یک مفسر سیاسی، مورخ و تحلیل‌گر مسایل روز لازم نیست حتماً به آرشیو "سیا" یا انجلیجت سرویس انگلستان دسترسی داشته باشد تا ریشه وقایع روز را دریابد. امروز تروریسم سلاحی برنده به دست آمریکا داده است که به وسیله آن اکثر کشورهای جهان به زیر سایه آمریکا رفته‌اند.

ملتی است جراید جهان پیرامون پایگاه‌های "سیا" در جهان سخن می‌گویند.

تاکنون ده کشور تایید کرده‌اند که زندان‌های

مخفی در سرزمین آنها به وجود آمده که در آنها زندانیانی به سر می‌برند که کسی از هویت آنها آگاهی ندارد و در اکثر این زندان‌ها شکنجه زندانیان امری عادی است. به طوری که سناتور مک لین از حزب جمهوریخواه علیه شکنجه در این زندان‌ها اعتراض کرد و قطعنامه‌ای به مجلس سنای آمریکا برد که به موجب آن شکنجه در آمریکا و زندان‌های مخفی پایان داد. در جهان اعلام شد در کشورهای مجارستان، نروژ، سوئد، تایلند، انگلستان، آلمان و چند کشور دیگر "سیا" از مدتی قبل زندان‌های مخفی به وجود آورده است که زندانیان را با پروازهای مخصوص به آن کشورها می‌برند و کسی از حال و روز آنها اطلاعی ندارد. بدین ترتیب آمریکا از نعمت تروریستی که خود به وجود آورد و در سایه سازمان القاعده توانست قدرت خود را در سراسر جهان توسعه دهد. امروز سربازان آمریکا از فیلیپین تا آسیای مرکز و تمامی اروپا پراکنده‌اند. خلیج فارس که مبدل به زرادخانه سلاح‌های نوین آمریکا شده است.

جناب بوش به عنوان مبارزه با دیکتاتوری و اجرای حقوق بشر (همان شعارهای قدیمی) هم ملت آمریکا و جهان را در ترس و هراس نگه داشته است. هزاران نفر از مردم جهان بدون محاکمه و بدون آن که جرمی مرتکب شده باشند زنجیر بسته به پا روزگار می‌گذارند. تصور نکنید مافقط به این وضعیت آگاهی داریم نه چنین نیست. هستند زنان و مردانی که نظر خود را اعلام می‌کنند و ده‌ها روزنامه و مجله نظرات آنها را می‌نویسند تنها به قدری انتشار این

گزینه و یا چون چارلی چاپلین آمریکا را ترک و فعالیت‌های خود را در لندن شروع کردند.

اعمال "سناتورمک کارتی" آن چنان لطمه به حیثیت جهانی آمریکا زد که کاخ سفید مجبور شد به مخالفت با "ماکارتیسم" بر خیزد.

با فروپاشی شوروی دیگر سلاح قدیمی روس‌ها می‌آیند کهنه شد و لازم بود کاخ سفید مردم آمریکا و جهان را از سلاح تازه‌ای بترساند و این سلاح تروریسم بود.

مقالات و کتب زیادی در جهان منتشر شده است که محور اساسی آنها "بوش و تروریسم است" آنها و مردم آمریکا و جهان را در برابر این پرسش قرار داده‌اند: چرا موج تروریسم از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ شروع شد. یعنی پس از فروپاشی دو برج مرکز تجارت جهانی در نیویورک؟ در یک گفته همه متفق القول هستند که "مقامات امنیتی" آمریکا آگاه بودند یک واقعه تروریستی بزرگ در آمریکا روی می‌دهد اما هیچ اقدامی برای پیشگیری آن رود نداد و باز در یک مساله همه متفق القولند که اسامه بن لادن را آمریکا پرورش داد که در افغانستان علیه روس‌ها نبرد کند. باز در یک جمله بسیاری از محققان "متفق القولند" که بن لادن چرا تاکنون دستگیر نشده است؟ در حالی که ارتش آمریکا که به آخرین سلاح‌های الکترونیکی و نوین دسترسی دارد می‌توانست به راحتی بن لادن را پیدا و بازداشت کند.

بسیار کسان حتی در داخل آمریکا بر این اعتقاد راسخ هستند که بوش با ترس جهان از تروریسم، هژمونی (تسلط) خود را بر دنیا حفظ کرد. در واقع

ملت آمریکا را در هراس و ترس نگه می‌داشتند تا ملت از آنها حمایت کند.

داستان بوش و تروریسم نیز از این مقوله جفا نیست. این دو کلمه به هم جوش خورده‌اند. این گفته من نیست، صدها هزار نفر در آمریکا و جهان که در باره آن سخن می‌گویند و می‌نویسند.

در دوران جنگ سرد که بلافاصله با شکست آلمان و تسلیم این کشور (۸ مه ۱۹۴۵) شروع شد. دو قدرت اصلی در برابر هم قرار گرفتند. شوروی و آمریکا. رهبران هر دو کشور ملت‌های خود را از دیگری می‌ترساندند. آمریکا نظام کمونیستی را "گولو" کرده بود. وقتی فیلمی ساختند زیر عنوان "روس‌ها می‌آیند" و این تنها فیلم نبود سریال‌های تلویزیونی زیر عناوین گوناگون از جمله جیمزباند، بالاتر از خطر و صدها کتاب و نشریه و برنامه‌های تلویزیونی تهیه شد که مردم جهان را به مبارزه با کمونیسم دعوت می‌کرد.

در سال‌های ۱۹۵۳ یک سناتور آمریکایی به نام مک کارتی آن چنان وحشتی در بین مردم آمریکا به وجود آورد که در خیابان و شهرهای بزرگ آمریکا کتاب‌سوزان به وجود آمد و هزاران هزار کتاب به این بهانه که کمونیستی است طعمه آتش شد. حتی آثار نویسندگانی چون "ارنست همینگوی، جک لندن، آرتور میلز. این "جنش ترس به جامعه هنری و سینمایی آمریکا نیز سرایت کرد و هنرمندان چون چارلی چاپلین، همفری بوکارت و آرسن ولز متهم به داشتن افکار کمونیستی شدند. حرکات ترس از کمونیسم باعث شد بسیاری از هنرمندان گوشه عزلت



وسایل جمعی محدود است که اکثر مردم از نظر آنها آگاهی ندارند. مایکل مور مرد مشهور سینما که جایزه بزرگ اسکار و کن را به دست آورد با صدای بلند گفت: آقای بوش من خجالت می کشم که بگویم تو رئیس جمهور کشور من هستی

اینک با شتابت که داوری کنید مردی را که دو کشور افغانستان و عراق را ویران کرد و تاکنون بیش از یک میلیون مردان و زنان غیر نظامی را قربانی هژمونی و حفظ قدرت خود کرده است را می توان دوست داشت یا نه؟

افسوس باید خورد که هنوز بعضی ایرانیان به ویژه آنها که در آمریکا زیست می کنند حامی بوش هستند و به او امید بسته اند.

دنیا سوال می کند؟

* چگونه است که همه اعمال تروریستی به نفع آمریکا است؟

* چگونه است که اسامه بن لادن مامور سابق سیا هنوز دستگیر نشده است؟

* تروریسم موجب آن شده که آمریکا بر سراسر جهان مسلط شود.

* چگونه است که سازمان تروریستی "القاعده" عامل ترس شده است و تحکیم بخش قدرت آمریکا در جهان است.
* افسوس که هنوز ایرانیانی را می یابی که در انتظار کمک بوش هستند.
* تروریسم پس از ورود بوش به کاخ سفید توسعه یافت.
* بسیاری از کشورها از ترس تروریسم دروازه های خود را به روی تفنگداران آمریکا گشودند.
* نه دهها که هزاران هزار از مردم غیر نظامی جهان قربانی شدند و آن زیر شعار آزادی برای جهان بود.

راهنمای اشتراک

یک سال، ماهنامه گزارش را دریافت کنید.

لطفاً نکات ذیل را در نظر داشته باشید:

- ۱- فرم اشتراک را کامل و خوانا تکمیل کرده و کدپستی را حتماً قید فرمایید و همراه با برگ واریز وجه به نشانی دفتر مجله پست یا با نمابر ۸۸۳۲۳۶۱ ارسال نمایید.
- ۲- حق اشتراک را الف: به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات، شعبه گلزار، کد ۷۹۰ تهران (قابل واریز در همه شعب بانک صادرات به نام مجله گزارش واریز نمایید.
- ب: به حساب جاری مهر شماره ۱۰۰۳۹۲۰۳۳۰۰۶ به نام ابوالقاسم کلباف واریز نمایید و اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی تهران، صندوق پستی ۵۲۶۷ - ۱۴۱۵۵ ارسال فرمایید.
- ۳- کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره اشتراک نزد خود نگاه دارید.
- ۴- حق اشتراک خارج از کشور ۴۰ یورو و یا ۲۵ دلار می باشد.
- ۵- حق اشتراک یکساله برای مؤسسات دولتی ۶۰۰۰ تومان و برای بخش خصوصی ۵۰۰۰ تومان است و برای دانشجویان ۲۰۰۰ تومان است.
- ۶- حق اشتراک خارج از کشور ۳۰ دلار می باشد.
- ۷- در صورت هر گونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر ماهنامه گزارش را در جریان قرار دهید.

برگ اشتراک ماهنامه گزارش

نام:

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

نام خانوادگی:

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

نام شرکت یا مؤسسه:

--	--	--	--	--	--	--	--	--	--

شغل:

تخصصیات: سن:

نوع فعالیت:

درخواست اشتراک از شماره:

و تعداد موردنیاز از هر شماره: نسخه

نشانی:

کدپستی: تلفن:

صندوق پستی:

نشانی مجله: تهران، صندوق پستی ۵۲۶۷ - ۱۴۱۵۵